

ک رویه قضایی از دو طریق به منابع حقوقی کمک می کنند ۱- از طریق آرای وحدت رویه ۲- از طریق آر ای دادگاه های بالاتر

### گفتار دوم- مهمترین قواعد مسئولیت در حقوق ایران :

۱- تسبیب ۲- تصرف نامشروع در مال غیر ۳- استیفاء ۴- اداره مال غیر ۵- ایفای ناروا

ک تسبیب : طبق این قاعده هر کس سبب ورود زیل به دیگری بلشد مسئول جبران زیان است!

### تصور قاعده سببیت در حقوق ایران :

۱- زیان به طور مستقیم و بدون واسطه عامل دیگر وارد شود که اصطلاحاً به آن اتلاف گفته می شود

۲- زیان به واسطه عامل دیگری وارد می شود که به طور خاص به این حالت تسبیب گفته می شود

نک : در حقوق ایران مبنای اصلی در مسئولیت ناشی از فعل شخص، فعل اشیاء و فعل غیر، قاعده تسبیب یا نظریه تقصیر است و مسئولیت بدون تقصیر حالت استثنایی دارد و از طرفی حقوق ایران صغیر و مجانین را مسئول جبران زیان های وارد به دیگران می داند چنانچه اسباب متعدد به طور همزمان خسارت وارد کرده باشند مانند دونفر که با هم خسارتی وارد می کنند تمام اسباب مسئولیت دارند مگر آنکه میزان دخالت آنها متفاوت باشد که تشخیص این امر با دادگاه است! اما اگر اسباب متعدد به صورت پی در پی (طولی) فرار گوشه باشند در چنین حالتی حقوق ای ان مسئولیت را بر عهده مؤثرترين سبب قرار می دهد! اما در صورتی که همه اسباب به طور غیرمستقیم دخالت نمایند عاملی که زودتر تأثیر لاشته ضامن است.

### تصرف نامشروع در مال غیر (غصب) :

ک مسئولیت ناشی از غصب تابع قاعده عمومی تسبیب نیست و ملاک مسئولیت متصرف مال غیر را حدود و قلمرو تصرف او می دانند نه رابطه سببیت او با خسارت

چنانچه چند غاصب با هم مالی را تصرف کنند هر یک به اندازه ای که در مال تصرف دارد در مقابل مالک ضامن است اما اگر مال به صورت طولی دست به دست شده باشد در چنین حالتی تمام متصرفان در مقابل مالک به طور تضامنی مسئولند.

### ایفلو ناروا:

ک اگر کسی بر اثر اشتباه، تعهد و دینی را پرداخت کند می تواند با اثبات اشتباه خود آن را مسترد کند و گیرنده مال هم موظف است مال د ریافتی را برگرداند، اما اگر پرداخت کننده نتواند اشتباه خود را اثبات کند، اصول و امارات پرداخت را صحیح تلقی می کنند.

## فصل اول - قواعد عمومی مسؤولیت مدنی و جبران ها

### مبث اول تعاریف مفاهیم اساسی

## گفتار اول - مفهوم عمومی

**مسئولیت مدنی:** در معنای وسیع، مسئولیت های ناشی از نقض قرارداد و مسئولیت های غیرقراردادی یعنی مسئولیت ناشی از رفتار زیانبار را شامل می شود، اما در معنای خاص به مسئولیت غیر قراردادی اطلاق می شود. مسئولیت مدنی در مفهوم کلی و عمومی خود عبارت است از مسئولیت جبران خسارات ناشی از رفتارهای زیانبار.

نک : هدف اصلی مسئولیت مدنی، جبران ضرر زیان دیده است (جبران خسارت)  
 ✓ اصل عدم تجمع مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی: طبق این اصل در مورد یک خسارت نمی توان هم از مبنای قراردادی و هم مبنای مسئولیت مدنی استفاده کرد

## گفتار سوم - تقصیر

عمل قابل سرزنش عملی است که نسبت به معیار مورد پذیرش، انحراف پیدا کرده است واقع رفتار قابل سرزنش همان تقصیر است که آن را نوعی تخلف از ضوابط یا نظری تعهد و الزامات می دانند همواره تقصیر شرط اصلی مسئولیت بوده است.

### قصیر شخصی و نوعی:

**شخصی:** از این نظر در ایجاد مفهوم و مصدق تقصیر، وضع شخص مقصراً اهمیت دارد و ویژگی های شخصی و ادراکی او مورد توجه قرار می گیرد برا اساس این نظر مجنون نمی تواند تقصیر کند چون قادر به درک ضوابط و خروج از آنها نمی باشد

**نوعی:** از این نظر تقصیر صرفنظر از مقصراً، یک رفتار نوعی است که در آن خروج از معیارها مشاهده می شود. در این نظریه به تقصیر بیش از مقصراً توجه می شود و رفتاری که بیرون از ضوابط نوعی باشد باید آن را تقصیر دانست. در این نظر مجنون هم در صورت ورود خسارت به دیگری مقصراً و مسئول است از نظر مؤلف باید ملاک نوعی و عینی را ترجیح داد

### تقسیم تقصیر از جهات مختلف

#### الف- تقصیر عام و خاص

**قصیر عام:** برخی از تکالیف و تعهدات عمومی و کلی است مثلاً هر کس موظف است به طور متعارف رفتار کند و تعدی و تفریط نکند. امین، وکیل و مستأجر تعهداتی عمومی بر عهده دارند و نقض این تعهدات تقصیر عام یا عمومی است.

**قصیر خاص:** در مواردی نقض یک تعهد خاص صورت می گیرد و تقصیر خاص واقع می شوهد رعایت چراغ قرمز یک تعهد خاص است و اگر کسی از چراغ قرمز عبور کن وجود تقصیر بدیهی است

#### ب- تقصیر مثبت و منفی

تقصیر مثبت : منظور از این تقصیر انجام یک فعل می باشد مثلاً عبور از چراغ قرمز، قراردادن یک مانع در محل غیرمجاز و تیراندازی غیر دقیق.

تقصیر منفی : منظور از این تقصیر ترک فعل است در مواردی که انجام یک تکلیف یا تعهدی خاص بر عهده کسی است عدم انجام آن مصدق تقصیر است مانند ترک انفاق و ترک ثبت ازدواج و طلاق

#### ج- تقصیر سبک و سنگین

تقصیر سبک : منظور از این تقصیر، تقصیر غیر عمد و متعارف است یعنی تقصیری که انسان های معمولی آن را انجام می دهند.

تقصیر سنگین : در مواردی که احتمال ورود خسارت زیاد است لی حرفه و شغل شخص، حساس است و تعیی و تفریط کوچک خسارت به بار می آورد تقصیر سنگین واقع شده است تقصیر سنگین در حکم تقصیر عمدی است

### -مبث دوم- نظریات اساسی در مسؤولیت مدنی

1-نظریه تقصیر: طبق این نظریه مسئولیت تنها با احراز تقصیر ایجاد می شود بنابراین اصل بر عهده مسئولیت فاعل است. بار اثبات تقصیر در این نظریه بر عهده زیاندیده است لذا در صورت عدم اثبات تقصیر، مسئولیت و جبرانی تصور نمی شود و در صورت اثبات ظاهری تقصیر ، فاعل می تواند در مقام دفاع برآید یا به علت خارجی استناد نماید تا از مسئولیت معاف گردد.

2-نظریه فرض تقصیر : براساس این نظریه در صورت ورود زیان، مفروض آن است که فاعل تقصیر کرده است و لذا اصل بر مسئولیت وی می باشد و بار اثبات بر عهده اوست اما در مقام دفاع او می تواند عدم تقصیر خود را اثبات کند و با اثبات علت خارجی فاعل خود را از مسئولیت رها می سازد مثلاً کارفرما مسئول خسارات ناشی از اقدامات کارگران خود می باشد مگر اینکه اثبات نماید تمام احتیاطات لازم را رعایت نموده است

3-نظریه خطر یا مسئولیت عینی: براساس این نظریه در صورت ورود ضرر فاعل مسئول جبران خسارت است. در این نظریه اصل بر مسئولیت و جبران می باشد و اثبات عدم تقصیر یا رعایت احتیاط های لازم تأثیری در مسئولیت ندارد و تنها راه برای خروج از مسئولیت اثبات وجود علت خارجی است قاعده اتفاقی این نظریه مقایسه می شود.

4-نظریه مسئولیت شدید یا ایمنی : طبق این نظریه اصل بر مسئولیت است و شخص در هیچ حالتی نمی تواند از مسئولیت مبرأ گردد حتی با وجود علت خارجی مثل مسئولیت غاصب در خصوص خسارت های وارد به مال مورد غصب.

### مبث سوم - ارکان مسؤولیت مدنی

ارکان مسؤولیت مدنی اعم از مسؤولیت قراردادی و غیر قراردادی :

**1- وجود یک تعهدوتکلیف**

## 2- نقض تعهد و تکلیف

### 3- وجود ضرر

### 4- وجود رابطه بین نقض تعهد و ضرر

ارکان مسئولیت مدنی به معنای خاص :

1- فعل زیانبار 2- ضرر قابل مطالبه 3- رابطه عرفی بین فعل و خسارت نک : در قاعده اتلاف، مختلف ضامن خسارات است و در تحقق اتلاف وجود تقصیر شرط نیست  
گفتار اول- فعل زیانبار

تقسیم فعل زیانبار به اعتبار فاعل مستقیم :

1- فعل شخص 2- فعل حیوان 3- فعل اشیاء 4- فعل غیر

✓ مقصود از فعل شخص حالت طبیعی فعل زیانبار است در این حالت شخص با رفتار خود موجب ورود ضرر به دیگران می شوند.

✓ در مورد فعل حیوان و فعل شیء ، خسارت از فعل مستقیم حیوان و وضع خاص اشیاء(مانند ساختمان، خودرو) تولید می شود اما در واقع دارنده یا صاحب آنها مسئولیت را می پذیرنده مورد مسئولیت ناشی از فعل حیوان و اشیاء اصل بر نظریه تقصیر است

✓ در مورد فعل غیر، کسی مسئول خسارات ناشی از فعل شخص دیگر می اثبد مانند مسئولیت سرپرست نسبت به مولیٰ علیه خود. در این مورد وجود نوعی رابطه تبعیت و ورود خسارت در زمان فعلیت این رابطه از مهمترین شرایط در مسئولیت فعل غیر می باشد

### گفتار دوم – ضرر قابل مطالبه

اقسام ضرر :

1- ضرر مادی : ضرری است که به اعیان و منافع و حقوق اموال وارد می شود و قابل تقویم به پول می باشد

2- ضرر معنوی : ضرری که قابل تقویم به پول نمی باشد و به طور کلی صدمات روحی و لطماتی را که به آبرو، حیثیت و اعتبار تجاری و شخصی افراد وارد می شود شامل می گردد

✓ خسارت عدم النفع : خسارت مربوط به منافعی است که براساس روال متعارف برای خواهان ایجاد می شده است ولی به دلیل رفتار زیان زننده آن نفع به خواهان نرسیده است مثلاً خواهان کالایی را برای فروش خریده بود و خوانده نیز این را می دانسته و قرارداد را نقض کرده است

در حقوق کامن لا، خسارت عدم النفع، جزو خسارت موردنانتظار قرار می گیرد و قابل مطالبه است مشروط بر اینکه براساس روال معمول در رویه متعارف قابل تحصیل تلقی می شده است در حقوق فرانسه نیز نظریه جبران کامل، هر دو نوع خسارت یعنی ضرر واقعی و عدم النفع را در بر می گیرد

نک : در خصوص خسارت عدم النفع تنها منافعی قبل مطالبه اند که مقتضی وجود نفع حاصل شده باشد و منافع ممکن الحصول باشد.

#### شرایط ضرر قابل مطالبه :

- 1- مسلم و قطعی بودن ضرر
- 2- الزامی بودن حق مبنای مطالبه ضرر
- 3- مشروعيت حق مبنای مطالبه ضرر
- 4 - عدم جبران قبلی ضرر

✓ مسلم و قطعی بودن ضرر: ضرر قابل مطالعه ضرری است که عرفاً از قطعیت برخوردار باشد بنابراین ضرر های احتمالی مانند عدم النفع احتمالی یا ضرر های آینده که عرفاً قطعی الحصول تلقی نمی شوند قابل مطالبه نیستند  
✓ الزامی بودن حق مبنای مطالبه ضرر: در این مورد زیاندیده در صورتی می تولد ضرری را مطالبه کند که ثابت کند ضرر ناشی از تعرض به یک حق قانونی والزامی باشدمثلاً اگر شخصی تعهدی به پرداخت نفقة نداشته باشد ولی به خاطر انگیزه های وجودانی و اخلاقی مدتی به دوست خود نفقة پرداخت کند و سپس از پرداخت امتناع کند، دوست وی نمی تواند ضرر ناشی از عدم پرداخت را مطالبه کند

✓ مشروعيت حق مبنای مطالبه ضرر: در این مورد اگر متعهد در یک تعهد نامشروع و غیر قانونی به تعهدات خود عمل نکند و از این ناحیه خساراتی به طرف خود وارد نماید زیاندیده حق مطالبه ضررندارد  
✓ عدم جبران قبلی ضرر: در صورتی که ضرر قبل اجبران شده باشد نمی توان دوباره همان ضرر را با عنوان دیگری جبران نمود. مثلاً در مسئولیت تضامنی اگر یکی از مسئولان بخشی از دین را پرداخت کند، طلبکار نمی تواند نسبت به همان بخش به مسئول دیگر مراجعه کند

#### گفتار سوم- رابطه عرفی بین فعل و ضرر

صرف وجود یک فعل و ضرر نمی تواند مسئولیتی را بر عهده صاحب فعل قرار دهد و تنها در صورتی که بین فعل و ضرر یک رابطه عرفی و انتسابی وجود داشته باشد مسئولیت محقق می شویه طور مثال خسارتی از غاصب قابل مطالبه می باشد که در زمان تصرف او ایجاد شده باشد

#### انواع سبب به عنوان مسئول جبران ضرر :

- 1- سبب مقصو و عدوانی: هر کدام از اسباب که مقصو است مسئول است.
- 2- سبب اقوی: سببی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد
- 3- سبب متناسب یا متعارف: سببی که با خسارات متناسب است و ورود ضرر از ناحیه او قابل مطالبه باشد
- 4- سبب بلاواسطه و نزدیک: سببی که بین آن و خسارت فاصله ای نباشد
- 5- سبب مقدم در وجود: سببی که زودتر به وجود آمده است حتی اگر نتیجه آن متاخر باشدمثلاً در مثال چاه و سنگ که چاه کن مسئول است
- 6- سبب مقدم در تأثیر: سببی که زودتر تأثیر کرده است در مثال چاه و سنگ، کسی که سنگ را گذاشت مسئول است.

7- نظریه ترکیبی: طبق این نظریه، همه نظریات یا ترکیبی از چند نظریه می‌تواند راه حل مطلوب باشند این نظریه به واقع نزدیکتر است.

### مبحث چهارم - علل خارجی و تأثیر آن بر مسئولیت مدنی

✓ علت خارجی عاملی است خارج از متعهد که در نقض تکلیف و ورود خسارت داشت می‌کند. علت خارجی بر رکن رابطه سببیت تأثیر می‌گذارد و در مواردی که به عنوان عامل اصلی در ورود خسارت شناخته می‌شود رابطه بین متعهد و خسارت را قطع می‌کند  
اقسام علت خارجی :

1- قوه قاهره 2- فعل زیاندیده 3- فعل شخص ثالث

✓ علت خارجی باید شرایط عمومی مانند غیرقابل پیش بینی بودن و غیر قابل اجتناب بودن را دارا باشد والا آثار معافیت برای فاعل نخواهد داشت

قوه قاهره در مواردی که مسئولیت به صورت مطلق باشد اثری بر جبران های فاعل زیان ندارد، لذا در تصرف نامشروع قوه قاهره مؤثر نمی باشد.

### مبحث پنجم - علل موجّهه و تأثیر آن بر مسئولیت مدنی:

1- دفاع مشروع 2- اضطرار 3- اذن 4- خطر پذیری 5- ابرای قبلی زیاندیده 6- سبب اقوى  
✓ دفاع مشروع : دفاع در مقابل حمله نامشروع دفاع مشروع است  
برای تحقق دفاع مشروع :

1- دفاع باید برای مقابله با حمله باشد و الا دفاع پیش دستانه را نمی توان دفاع مشروع تلقی کرد  
2- حمله نیز نباید مشروع باشد

3- حمله موردنظر باید قطعی یاد رشوف وقوع باشد

4- دفاع کننده نباید راه دیگری جز دفاع داشته باشد، لذا اگر به طور متعارف بتواند از حمله اجتناب کند ورود خسارت از طریق دفاع مباح نخواهد بود

نک: مهمترین شرط دفاع مشروع، تناسب است، یعنی تمام اقدامات دفاع کننده باید مناسب با شرایط و حمله باشد دفاع از دیگران در صورتی می‌تواند مصدقی از دفاع مشروع تلقی شود که دفاع ضرورت داشته باشد و کسی که مورد حمله قرار گرفته برای دفاع استمرار نماید.

✓ اضطرار : حالتی که در آن به دلیل دخالت حوادث قهری، مضطرب ناچار می شود برای دفع ضرر ناشی از آن حوادث، ضرر دیگری را وارد نماید. برای استناد به اضطرار لازم است غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب بودن اضطرار اثبات گردد.

#### انواع حالات اضطرار :

1- شخص برای دفع ضرر خود به دیگری خسارت وارد می کنده طور مثال، برای جلوگیری از ورود سیل به خانه خود و ... مسیر آن را به طرف زمین همسایه منصرف می کند در چنین حالتی شخص ضامن است.

2- شخص برای رفع ضرر از غیر به اموال او خسارت وارد می کنده برای جلوگیری از گسترش آتش در مغازه غیر، بخشی از دیوارها را خراب می کند. در این مورد طبق قاعده احسان نباید شخص را ضامن دانست

3- شخص برای دفع ضرر از کسی به شخص ثالث ضرر وارد می کنده طور مثال برای جلوگیری از غرق شدن اموال کسی، از قایق و بنزین شخص ثالث استفاده می کند. اما در این حالت ضامن از عهده شخص مختلف رفع می شود و بر عهده صاحب مال قرار می گیرد.

4- شخص برای دفع ضرر از جامعه به اموال خصوصی افراد ضرر وارد می کند این حالت جبران نه به عهده شخص است و نه به عهده دولت

✓ اذن : اذن به انجام یک عمل مشروع، آن عمل و تلیج آن نسبت به اذن دهنده را مباح می کند مثلاً تصرفاتی که پزشک در حدود اذن نسبت به بیمار انجام می دهد مباح می باشد خروج از اذن و لوازم قطعی آن موجب ایجاد مسئولیت در جبران خسارت احتمالی می باشد.

✓ خطرپذیری : وقتی کسی خطر اقداماتی را پذیرد، خسارات ناشی زا آن اقدامات بر عهده خود اوست مثلاً در اقدامات ورزشی ممکن است خساراتی به ورزشکار وارد شود و اگر عملیات ورزشی در حدود مقدمات باشند این خسارات قابل مطالبه نیستند.

✓ ابرای قبلی زیاندیده : در صورتی که قبل از ورود ضرر احتمالی فاعل زیان از مسئولیت بری شود در اینحالت او مسئول جبران خسارات بعدی نخواهد بود مثلاً در عمل جراحی چون مقدمات نزدیک و سبب خسارات احتمالی ایجاد شده است زیاندیده آینده می تواند ذمه پزشک نسبت به دین آینده را ابراء نماید

✓ سبب اقوی : در مواردی مانند اکراه ، امر آمر یا فریب، عمل مکره، مأمور و فریب خورده عملی قابل توجیه می باشد. از سوی دیگر اکراه کننده، آمر و فریب دهنده نسبت به فاعل همانند علت خارجی عمل می کنند نک : در برخی از مصادیق اکراه مانند اکراه به قتل، مکره از مسئولیت معاف نمی شود، زیرا در این مورد نه عمل قابل توجیه است و نه رابطه اکراه کننده رابطه قوی تری می باشد

## **VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR**

### دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin\_news@live.com

#### نظريه جبران خسارت :

- 1- نظريه تفاوت : در اين تئوري خسارت قابل جبران را عبارت از تفاوتی می دارد که بين موقعیت واقعی خواهان با آنچه باید باشد و به واسطه حادثه زیانبار حاصل نشده است می دانند اين تئوري در حقوق آلمان پذيرفته شده است که به طور خاص در خسارات ناشی از نقض قراردادها به کار می رود
- 2- نظريه موقعیت مشابه: طبق اين نظريه جبران خسارات، طرف زيانده را باید در همان موقعیتی قرار دهد که اگر قرارداد اجراء می شد در آن وضع قرار می گرفت اين نظريه در حقوق کامن «انگلستان» مطرح می شود.
- 3- جبران کامل: در اين نظريه نقطه شروع ارزیابی خسارت، جبران کامل خسارت زيانديده دانسته شده است اين نظريه از حقوق فرانسه استنباط می شود

#### أصول جبران ها

- 1- اصل بازگشت زيانديده به وضع قبل از ورود ضررکسی که به دیگری خسارت وارد می کند و وضع زيانديده را تغيير می دهد و باید با جبران خسارات، زيانديده را به وضع قبل از ورود زيان بازگرداند
- 2- اصل عدم تضامن: طبق اين اصل هر کس مسئول خسارات ناشی از عمل خود می باشد لذا در صورت تعدد عوامل و اسباب باید مسئولیت را بين آنها تقسیم کرد
- 3- اصل ترتیب جبران عینی و مالی: مقصود از جبران عینی آن است که جبران تلاش کند وضع زيانديده اعاده گردد و مانند برگرداندن مال . اما اگر در مقابل ضرر وارد شده، ارزیابی مالی صورت گیرد و مبالغی در مقابل آن پرداخت شود، جبران را مالی می دانیم

## فصل دوم – قواعد خاص مسؤولیت مدنی و جبران ها

### مبث اول – قاعده تصرف نامشروع و غصب

#### گفتار اول – مبانی تصرف نامشروع

برای تحقق قاعده تصرف نامشروع وجود عناصر زیر ضروری است:

الف- دارا شدن ب- کم شدن دارایی شخص دیگر ج دارا شدن بدون مجوز قانونی باشد  
قاعده ضمان ید : مبنای این قاعده ، حدیث نبوی مشهور(علی الید ما اخذت حتی تؤدیه) می باشد. طبق این حدیث هر گاه مالی به صورت قهری و جبری و بدون اجازه مالک آن مال یا بدون اجازه شرعی و قانونی در تصرف شخصی واقع شود، عهده و ذمة متصرفمشغول به آن مال است و تنها با لای آن از عهده آن خارج می شود.

✓ در خصوص ضمان منافع، در صورتی که مال تصرف شده دارای منافع متعددی باشد که ارزش آنها متفاوت است، باید متصرف را ضامن منفعت متعارف دانست و چنانچه منافع دارای ارزش متفاوت باشند ظاهرآ منفعت پر ارزشتر مورد ضمان است.

### گفتار دوم - غصب

✓ تعریف و قلمرو غصب : طبق ماده 308 قانون مدنی، غصب استیلاع برق غیر است به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب ملت .  
تفاوت غصب و تصرف عدوانی :

1- در تصرف عدوانی، موضوع مال غیر منقول است ولی غصب کلیه اموال را در بر می گیرد

2- در غصب بحث مالکیت مورد بررسی قرار می گیرد اما در تصرف عدوانی، سبق تصرف خواهان را حقوق تصرف خوانده.

3- در غصب مالک می تواند علیه کلیه غاصبان اقامه دعوای کند اما در تصرف عدوانی متصرف فعلی طرف دعوا قرار می گیرد.

4- دعوای غصب یک ادعای حقوقی و دعوای تصرف عدوانی یک موضوع کیفری است

نک : تصرف شریک در حال مشاع بدون اذن سایر شرکاء نیز مصدقی از غصب و تصرف عدوانی است

انکار نیز مطابق ماده 310 قانون مدنی در حکم غصب است، طبق این ماده: اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آنها در دست اوست منکر گردد و از تاریخ انکار در حکم غاصب است

✓ حدود تکالیف غاصب: طبق ماده 311 قانون مدنی، غاصب باید مال مغصوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید پول آن را بدهد.

در غصب دو حکم تکلیفی وجود دارد:

1- حرمت تصرف در مال غیر 2- وجوب و لزوم رد عین

در خصوص رد مال مغصوب، در صورتی که صاحب آن مال شخص کامل باشد باید مال بلو یا وکیلش داده شود و در صورتی که کامل نباشد(مانند صغیر و مجnoon) باید مال به ولی او داده شود و اگر در این مورد مال را به مالک اصلی آن یعنی غیر کامل بدهد ضمان او مرتفع نمی گردد

نک : در صورتی که ضمان به صورت قیمتی باشد، قیمت حین الاداء مورد استفاده قراری گیرد و در خصوص مکان باید منطقه ای که عرفاً محل زندگی و کسب و کار صاحب مال است مورد توجه قرار گیرد و در مورد اموال غیر منقول نیز محل وقوع مال ملاک صحیح است

در صورتی که مال تلف یا اتلاف نشده بلکه بنا به دلایلی دسترسی به عین و رد آن ممکن نیست، غاصب باید مال مخصوص را به مالک آن بدهد، در این حالت مال اعطای شده ر(بدل حیله) می نامند. در صورتی که بدل حیله در دست مالک مال مخصوص تلف گردد چنانچه مالک در این امر تعذری و تفريط نکرده باشد ضامن نخواهد بود.

نک : چنانچه پس از پرداخت قیمت مال مخصوص، مثل یافت شود لازم نیست مثل آن داده شود چون پرداخت قیمت به عنوان جبران قطعی است، اما در مورد بدل حیله در صورت دسترسی به مال عین مال به مالک آن تحويل می گردد.

نک : در مواردی که رد عین مال مخصوص مستلزم عسر و حرج است، غاصب از رد عین معاف می گردد و باید مثل یا قیمت را بپردازد.

#### افزایش قیمت مال :

طبق ماده 314 قانون مدنی، اگر در نتیجه عمل غاصب، قیمت مال مخصوص زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت مگر آنکه آن زیادتی عین باشد که در این صورت عین زیادی متعلق به خود غاصب است در صورتی که زیادی قیمت صرف اثر باشد مانند نخ کردن پنبه، آرد کردن گندم، غاصب بودن مال را با همان شکل تغییر یافته به مالکش رد کند و به جهت زیادتی مستحق هیچ گونه أجرتی نیست و حتی بدون اجازه مالک نیز نمی تواند مال را به حال اول برگرداند

در صورتی که زیادتی عین باشد مانند کاشتن درخت در زمینی غیر یا احداث بنا در آن، زیادی از آن غاصب خواهد بود.

در صورتی که زیادتی اثری است که عین نیز دارد مانند رنگ کردن لباس و آب دادن فلز، چنانچه جدا کردن مال غاصب از عین مخصوص ممکن نباشد و یا آنکه غاصب و مالک بر جدا کردن آن دو مال توافق نمایند هر دو شریک طرف مقابل می گردند.

#### نقص و عیب مال :

طبق ماده 315 قانون مدنی، غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مخصوص وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد

نک: در صورتی که مال مخصوص در حین تصرف غاصب و به واسطه فعل او زیادتی قیمت پیدا کند و مجدد ممکن آن کاهش یابد و به حال اول بازگدد غاصب ضامن رد عین و نقص قیمت مذکور می باشد

**تکالیف غاصبان در تعاقب ایادی:**

طبق ماده 316 قانون مدنی، اگر کسی مال مخصوص را از غاصب غصب کند آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است اگرچه به غاصب اولی جاہل باشد.

اگر شخصی مال را از غاصب باز پس گرفت تا آن را به مالک رد نماید اما مجدداً آن را به غاصب باز گرداند ضامن خواهد بود و مالک در رجوع به شخص مذکور و غاصب مخیر خواهد بود در حقوق خارجی این افراد به ضامن غیرارادی معروفند.

مسئولیت غاصبین نسبت به عین و بدل آن، مسئولیت تضامنی می باشد یعنی هر یک از غاصبین به میزان تمام عین ضامنند.

طبق ماده 318 قانون مدنی، هر گاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مخصوص در ید او تلف شده، آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر ندارد ولی اگر به غاصب دیگر به غیر از کسی که مال درید او تلف شده است رجوع نماید مشارالیه نزد می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است مراجعه نماید و یا به یکی از لاحقین خود رجوع نماید تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است

**نسبت به منافع عین:**

طبق ماده 320 ، نسبت به منافع مال مخصوص هر یک از غاصبین به اندازه منافع زمان تصرف خود وابعد خود ضامن است اگرچه استفاده منفعت نکرده باشد، لیکن غاصبی که از عهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است می تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند

**ابرای ذمه غاصبان:**

طبق ماده 321 ، هر گاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مخصوص ابراء کند حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت، ولی اگر حق خود را به یکی از آنها به نحوی از انحصار انتقال دهد آن کس قائم مقام مالک می شود و دارای همان حق خواهد بود که مالک دارا بوده است

چنانچه مالک تعهد را ساقط نکند بلکه برخی از غاصبین را از محدوده مسئولیت خارج نماید مثلاً بگوید من مالم را از حسن و حسین نمی خواهم، مسئولیت سایرین به قوت خود باقی است و مالک حق رجوع به آنها را دارد نکته : اگر مالک حقوق خود را به آخرین نفر(ضامن نهایی) منتقل کند وی نمی تواند به فروات بعدی مراجعه نماید.

طبق ماده 322 ق.م، ابرای ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابرای ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد شد، لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند حق رجوع به لاحقین را نخواهد داشت.

**معامله بر مال مخصوص :**

اعتبار معامله

طبق ماده 304 ق.م، اگر کسی که چیزی را بدون حق دریافت کرده است خود را محقق می دانسته لیکن در واقع محقق نبوده و آن چیز را فروخته باشد، معامله فضولی و تابع احکام مربوط به آن خواهد بود مسؤولیت طرفین معامله در مقابل مالک:

طبق ماده 323 ق.م، اگر کسی مال مخصوص را از غاصب بخرد آن کس نیز ضامن است و مالک می تواند طبق مقررات به هر یک از بایع و مشتری رجوع کند و عین یا مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آن را مطالبه نماید طبق ماده 325 ق.م، اگر مشتری جاہل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع نماید، اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، او حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت در معامله مال مخصوص در صورتی که قاعده غرور قاعده قصدی نباشد، یعنی برای تحقق آن قصد غرور لازم نباشد بلکه رفتار غارفروشنده) نوعاً غرور ایجاد کند، در حالتی که هم فروشنده و هم مشتری جاہل باشند و فروشنده مال را در معرض فروش قرار دهد غرور صدق می کند

طبق ماده 326 ق.م، اگر عوضی که مشتری عالم بر غصب در صورت تلف مبیع به مالک داده است زیاده بر مقدار ثمن باشد به مقدار زیاده نمی تواند به بایع رجوع کند ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد در خصوص مخارج نگهداری مال مخصوص ، در صورتی که متصرف جاہل به عدم استحقاق خود باشد می تواند هزینه های پرداختی را دریافت نماید ولی در صورت علم به عدم استحقاق خود مستحق دریافت هزینه های پرداختی از صاحب مال نمی باشد در صورتی که مالک مال مدعی باشکه متصرف با علم بر مالکیت او، در مال تصرف نموده است و متصرف نیز متقابلاً مدعی جهل خود باشد، ادعای مالک مقدم است و مدعی جهل نیازمند اثبات جهل خود می باشد

## مبثت دوم - قاعده اتلاف

طبق ماده 328 ق.م، هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

نک : اتلاف با اجازه مالک آن موجب ضمان نخواهد بود

آنچه که وجود یا عدم آن در ضمان بی تأثیر است قصد و عمد در تلف کردن می باشد نه قصد نسبت به اصل عمل، زیرا چنانچه شخص حتی قصد عمل نیز نداشته باشد مسلماً از جهت اتلاف ضامن نمی باشد. مثلاً شخصی که به واسطه لغزنه بودن زمین، به زمین می افتد بر اثر برخورد با ظرفی ، آن را می شکند به دلی عدم انتساب تلف به شخص از جهت اتلاف ضامن نخواهد بود

طبق ماده 320 ق.م، اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد ولیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند ضامن نیست  
گاهی حیوان کشته شده دارای ارزش و قیمت است مثلاً گوشت آن قابل خوردن است، در این موارد تفاوت بین ارزش باقیمانده در حیوان و حیوان زنده به عنوان خسارت از متفاوت اخذ می شود

### مبحث سوم - قاعده تسبیب

کتسبیب : واقعه یا عملی است که سبب وقوع تلف می گردد، لیکن علت تامه تلف نمی باشد بلکه عمل به نحوی است که اگر واقع نمی شد تلف نیز تحقق نمی یافتد  
نک : در تسبیب تنها انتساب فعل به سبب جهت ضمان کافی می باشد و عمد و غیر عمد در آن دخالت ندارد  
تفاوت های اتلاف و تسبیب :

- 1- در اتلاف عمل شخص مستقیماً باعث تلف می گردد ولی در تسبیب واسطه ای بین عمل شخص و تلف وجود دارد.
- 2- در اتلاف فقط فعل وجودی قابل تصور است، اما در تسبیب هم فعل وجودی و هم ترک فعل، امکان وقوع دارد در ترک فعل مثلاً ولی در حفظ اموال مولی علیه به تکلیف خود عمل نکند و سبب ورود ضرر به مولی علیه شود
- 3- وجود عنصر تقسیر و بی احتیاطی در تسبیب بنابراین در صورتی که سبب مرتكب تقسیر و بی احتیاطی نشده باشد ضامن نیست.

طبق ماده 332 ق.م، هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال باشد مباشر مسئول است نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفان اتلاف مستند به او باشد  
نک : مقصود از رابطه سببیت صرفاً یک رابطه مادی و مکانیکی نیست مقصود از رابطه سببیت مجموع شرایط و عواملی است که استناد و انتساب را در عرف بین ضرر و عمل ایجاد می نماید  
اگر مباشر دارای اراده و شعور نباشد ضامن نیست، مانند اینکه کسی چاهی را حفر کند و مجذوبی شخص ثالث را به درون چاه افکند، در این مورد ضمان بر عهده حفر کننده چاه است چنانچه مباشر مغدور باشد می تواند در خسارت به غار رجوع کند. همچنین در مورد مکره، ضمان بر عهده اکراه کننده واقع می شود زیرا سبب از مباشر قوی تر می باشد.

چنانچه اسباب مختلفی در ایجاد ضرر دخالت داشته باشند و این اسباب در طول یکدیگر قرار گرفته باشند، سببی را که رابطه عرفی قویتری با خسارت داشته باشد مسئول می دانند

طبق ماده 333 ق.م، صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن حاصل می شود، مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه عیوبی حصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است.

طبق ماده بالا اصل بر عدم تقصیر مالک است و مطلع بودن مالک از عیب و یا عدم مواظبت او باید از طرف مدعی ثابت گردد.

#### گفتار چهارم - مسؤولیت ناشی از خرابی ساختمان و فعل حیوان

طبق ماده 334 ق.م، مالک یا متصرف حیوان، مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود مگر آنکه در حفظ آن حیوان تقصیر کرده باشد، لیکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد، فاعل آن عمل مسئول خسارات خواهد بود

اگرچند نفر مشترکاً حیوانی را هدایت کنند، در صورت بروز خسارت، هر یک به مقداری که وظیفه حفظ کردن را داشته است مسئول خواهد بود در تصادم بین دو اتومبیل چنانچه یک نفر عAMD و طرف دیگر مقصراً باشد باید عAMD را مسئول دانست ولی چنانچه عMD و مسامحه در بروز خسارت دخالت نداشته باشد، بلکه تصادف به واسطه شرایط قهری مانند طوفان واقع شود هیچ یک از طرفین را نمی توان ضامن و مسئول دانست

#### مبث چهارم - قاعده استیفاء

طبق ماده 336 ق.م، هر گاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماییکه عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل نبود خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود قصد تبرع داشته است.

اگر کسی به قصد تبرع عملی را انجام دهد، اگرچه آمر قصد اعطای اجرت را داشته باشدمستحق اجرت نخواهد بود ولی اگر عامل قصد تبرع نداشته ولی آمر قصد تبرع داشته عامل محقق خواهد بود و چنانچه در مورد وجود یا عدم قصد تبرع بین عامل و آمر اختلاف باشد قول عامل در مورد عدم تبرع مقدم است

طبق ماده 337 ق.م، هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفاء منفعت کند، صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجازی بوده است

#### مبث پنجم - قاعده ایفای ناروا

طبق ماده 302 ق.م، اگر کسی اشتباهآ خود را مديون می دانست آن دین را تأديه کند حق دارد از کسی که آن را اخذ کرده است رداد نماید در صورتی که پرداخت کننده ادعا کند که دینی نداشته و اشتباهآ پرداخت کرده، اثبات عدم دین و در نتیجه اثبات اشتباه بر عهده پرداخت کننده است

اما اگر در اصل دین اختلاف نباشد، بلکه پرداخت کننده ادعا کند که دین خود را پرداخت کرده و گیرنده ادعا کند که پرداخت کننده مال را به صورت مجازی به او بخشیده است در این مورد گیرنده باید اثبات کند مال به طور رایگان به او داده شده است.

## مبحث ششم - قاعده اداره مال غیر

طبق ماده 336 ق.م، اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج را نخواهد داشت، ولی اگر عدم دخالت یا تأثیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد، دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است در خصوص قسمت اخیر ماده فوق چنانچه تصرف مستلزم ورود ضرر بر مال غیر باشد متصرف ضامن نخواهد بود. مثلاً اگر برای جلوگیری از سرایت آتش به خانه غیر، متصرف ناچار شود تعدادی از دیوارهای خانه او را خراب کند ضامن نخواهد بود.

**مطالبه مخارج اداره مال غیر مشروط به شرایطی است :**

1- عمل اداره کننده به منظور اداره مال غیر صورت گرفته باشد، بنابراین اگر شخص متصرف برای اداره مال خود از مال غیر نیز استفاده کند مستحق دریافت نمی باشد

2- عدم اداره مال غیر، موجب ورود ضرر به صاحب مال باشد یا اجازه گرفتن از مالک ممکن نباشد، بنابراین سود رساندن به مالک نمی تواند مجوزی برای اداره مال باشد

در مورد مخارج لازم برای اداره مال غیر می توان 3 نوع هزینه مالی را تصور نمود :

1- هزینه های بالفعل : مانند پرداخت پول برای خرید وسیله، اجیر کردن کارگر

2- هزینه های بالقوه : که شامل موارد زیر می شوی

الف) أجرت عمل مادي اداره کننده. مثلاً اداره کننده خود شیشه های خانه مالک را نصب کند.

ب) أجرت يا حق مدیریت : مانند اداره عمومی مال غیر و نیز أجرت برای استخدام کارگران

نک : مخارج غیرضروری که عرفًا اداره و حفظ و بقای مال بدان بستگی نداشته قابل مطالبه نمی باشد

نمایاپ

**VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR**

**دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق**

Varamin\_news@live.com